

■ **The Monumental Public Space embodies whose Collective Memory?
Exploring Imam Ali Square in local tradespersons' experience**

Shamin Golrokh, PhD (corresponding author)

Assistant Professor, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran

Mahsa Bagheri

MSc in Urban Design, School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran

To embody a collective history of Isfahan through a symbolic and monumental physical space, the recent past (Sabzeh Meidan) is replaced by a new place named Imam Ali square. This research, emphasizing the political aspect of memory and forgetting\remembering, has approached a critical turning towards the experience of a social group that is ignored in the mentioned project. This study, adopting grounded theory methodology and interview method, explores the lived experience of those local tradespersons in the area who are still working there. The concept of "semantic inversion of the monument", as the core category in research findings, describes the nature of the monument construction in experience of the studied group. Produced as "imaginative geographies", monumental public spaces could inverse the top-down organized memories through local narratives.

Keywords: public space, monument, collective memory, Imam Ali square, Isfahan.

فضای عمومی یادمانی، تجسم کدام خاطره جمعی؟

مطالعه میدان امام علی^(ع) اصفهان در تجربه کسبه محلی^۱

شمین گلرخ^۲

استادیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

مهسا باقری^۳

دریافت: ۶ آبان ۱۳۹۸
پذیرش: ۱۱ بهمن ۱۳۹۸
(صفحه ۸۲-۶۷)

۱. این مقاله حاصل یک پژوهش میدانی و مستمر طی سال ۱۳۹۸ است.

۲. نویسنده مسئول
sh.golrokh@ut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران
mahsa.star20@yahoo.com
4. palimpsest

۵. نک:
A. Huyssen, *Present Pasts: Urban Palimpsests and the Politics of Memory*.

6. over-writing

7. erasure

8. embellishment

۹. symbolic accretion: نک:

O.J. Dwyer, "Symbolic Accretion and Commemoration", p. 420.

10. temporal sedimentation

11. urban palimpsest

12. G. Truc, "Memory of Places and Places of Memory", p. 150.

کلیدواژگان: فضای عمومی، یادمان، سیاست خاطره، خاطره جمعی، میدان امام علی^(ع)، اصفهان.

چکیده

در پروژه ساخت میدان امام علی^(ع) اصفهان گذشته اخیر (سبزه میدان) دگرگون و به میدانی وسیع با نام جدید تبدیل شده و بدین صورت روایتی از تاریخ جمعی شهر را تجسم بخشیده و کالبد را محملی برای بیان نمادین و یادآوری آن کرده است. در این پژوهش بر بُعد سیاسی مفهوم خاطره و یادآوری/ فراموشی تأکید می‌شود و در راستای چرخشی انتقادی به سمت روایت گروه‌های نادیده گرفته‌شده در پروژه مزبور است. در این پژوهش با تکیه بر روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای و با استفاده از روش مصاحبه، تجربه کسبه قدیمی که هنوز در محدوده حضور دارند و در معرض تغییرات هستند مطالعه شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، مفهوم «وارونگی معنایی یادمان» به مثابه مقوله هسته‌ای توصیفگر ماهیت تجربه مصاحبه‌شوندگان از ساخت مکان یادمانی مورد مطالعه است.

مقدمه

ایجاد تغییر در یک مکان همان قدر که امری کالبدی است، معنایی نیز هست؛ زیرا با دستکاری رابطه گذشته و امروز و آینده آن مکان پیوند روانی و احساسی افراد با آن نیز دستخوش تغییر می‌شود. در مطالعاتی که، با خوانشی استعاری، به شهر به مثابه یک متن نگریسته می‌شود، حضور عامل زمان و ردپای تغییرات شهر با مفهوم «پالیمپست»^۴ توصیف می‌شود^۵ و معنای تصویر یا متنی می‌یابد که طی زمان بارها پاک شده و چیز جدیدی بر آن نقش بسته است. پالیمپست لایه‌های معنایی مختلف را روی هم انباشت می‌کند، معناهای جدید بارها و بارها روی معناهای پیشین ظاهر می‌شوند^۶، آن‌ها را مخدوش یا پاک می‌کنند^۷، می‌پیرایند^۸ و بدان می‌افزایند^۹. این پدیده معناساختی را «انباشت نمادین»^{۱۰} می‌نامند. تروک مفهوم پالیمپست و انباشت^{۱۱} را در ارتباط با شهر با مفهوم پالیمپست شهری^{۱۲} توصیف می‌کند^{۱۳}. در چنین تعبیری وقتی به تغییرات عرصه عمومی شهر به مثابه عرصه



منازعه و رودرویی گروه‌های اجتماعی مختلف می‌نگریم، با پالی‌مپست پیچیده‌ای روبه‌رویم که در طی زمان گروه‌های مختلف هر یک به طریقی کوشیده‌اند تا معناهای خود را بر لایه‌های پیشین آن حک کنند؛ معنایی که گاه در تعارض با هم هستند. از این رو در پی هر تغییری در یک متن شهری می‌توان پرسید چه کسی یا گروهی با چه هدفی کدام لایه‌ها را دستکاری و چه چیزی بر آن حک کرده است و مهم‌تر آنکه تغییرات مورد نظر در متن عمومی شهر چه بازخوردها و واکنش‌هایی را از جانب دیگر گروه‌ها برانگیخته است.

زمانی که شاه عباس صفوی میدان نقش جهان را ساخت، میدان عتیق (میدان کهنه)، که قرن‌ها قدمت داشت و در دوره سلجوقیان میدان و مرکز اصلی شهر اصفهان بود، کم‌کم اعتبار خود را از دست داد و بیشتر کاسی‌ها به میدان نقش جهان کشیده شد. این موضوع به مرور باعث شد میدان عتیق از رونق بیفتد و عرصه‌ای که روزگاری محدوده فضای باز میدان به‌شمار می‌رفت به زیر ساخت رود، به گونه‌ای که تا دوره قاجار محدوده میدان با ساخت‌وسازهای جدید پوشیده شده بود. آنچه از دوره پهلوی و خیابان‌کشی‌های چلیپایی معاصر با عنوان میدان عتیق باقی مانده بود، فضایی در اختیار خرده‌فروشی‌ها و دست‌فروش‌ها بود و معروف به سبزه‌میدان. تا اینکه در سال ۱۳۷۹ شهرداری اصفهان مطالعات پروژه احیا و سامان‌دهی سبزه‌میدان و بازگرداندن آن به

پرسش‌های تحقیق

۱. ماهیت سیاسی خاطره و یادمان در بستر ساخت فضای عمومی چه خصلت‌هایی می‌یابد؟
۲. در تجربه کسبه محلی میدان امام علی اصفهان چه مقوله‌هایی توصیفگر معنای فضای عمومی یادمانی است که در فرایندی از بالا به پایین ساخته شده است؟



قبل از اسلام

اوایل اسلام

دوره عباسیان

دوره دلمیان



دوره سلجوقیان

دوره صفویه

دوره قاجاریه

دوره رضاخان

وضع موجود

ت ۱. سیر تغییرات میدان عتیق از پیش از اسلام تا پیش از اجرای پروژه؛ مأخذ: زبردست و امامی، «بررسی و ارزیابی اصالت طرح‌های توسعه شهری در بافت‌های تاریخی؛ مطالعه موردی: طرح احیای میدان امام علی (ع) اصفهان»، ص ۱۹.

بالا به پایین، تصویری برای امروز و آیندهٔ محدوده «ساخته شود» که ضمن ارجاع به دورهٔ تاریخی مشخص، ویژگی‌های منفی وضعیت پیشین میدان را کاهش دهد و تصویر مثبتی جانشین آن کند. در این فرایند سبزه‌میدان متأخر دگرگون و به میدانی وسیع با نام جدید میدان امام علی^(ع) تبدیل شد (ت ۳). از جنبه‌های مختلفی می‌توان نمونهٔ این میدان را به مثابهٔ مصداقی از مداخلهٔ برنامه‌ریزی‌شده و تغییر یک‌باره در عرصهٔ عمومی شهر مطالعه کرد^{۱۴}. آنچه در مقالهٔ پیش رو بر آن تمرکز می‌شود، سوبه‌ای از پروژه است که پژوهشگران می‌خواسته‌اند به طور هدفمند روایتی از تاریخ جمعی شهر را تجسد بخشند و کالبد را محملی برای بیان نمادین و یادآوری آن بسازند. این وجه از

ت ۲ (بالا). سبزه‌میدان، پیش از اجرای پروژه؛ مأخذ: اسناد و مدارک سازمان نوسازی و بهسازی اصفهان.
ت ۳ (پایین). میدان امام علی^(ع) اصفهان؛ عکس: شمین گلرخ.



شکل گذشته‌اش را به مهندسان مشاور نقش جهان پارس سپرد و اجرای آن از سال ۱۳۸۸ با سه هدف اصلی آغاز شد: تقویت نقش تاریخی فرهنگی گردشگری محدوده، اعتلای کیفیت زندگی اجتماعی، و افزایش کارایی و بهره‌وری میدان (ت ۱). سبزه‌میدان و بافت پیرامون آن پیش از اجرای این پروژه نیاز به سامان‌دهی داشت. آشفتگی منظر شهری و عملکردها و معضلات اجتماعی از جمله مسائلی هستند که دربارهٔ سبزه‌میدان بر آن‌ها تأکید می‌شده است. طبق گزارش‌های منتشرشده^{۱۳} ایدهٔ اصلی طراحی مجموعه بر اساس احیای میدان قدیم و مسیرهای تاریخی آن بوده است. همهٔ مسیرهای ترافیکی محدودهٔ میدان به سطح زیرین منتقل شدند و با تخریب بافتی که طی زمان در محدودهٔ میدان کهن شکل گرفته بود، فضای باز وسیعی مختص پیاده‌ها ایجاد شد، با این هدف که تداعیگر گذشته و الگوی کهن این میدان در دورهٔ سلجوقی باشد. با جداره‌سازی یکدست، هندسه‌ای واضح برای میدان جدید تعریف شد. در پیرامون میدان جدید در افق طرح می‌باید مجموعه‌ای از عملکردهای مختلف تجاری، مذهبی، فرهنگی، و آموزشی استقرار و سامان یابد (ت ۲).

گذشته از نقدهایی که از موضع باستان‌شناسی نسبت به حفاری‌های انجام‌شده در این محدودهٔ تاریخی مطرح شده است، طبق مطالعات ارزیابی اثرات اجتماعی پروژه^{۱۴}، بیشترین اثرات منفی پروژه متوجه گروه‌هایی بوده که مجبور به ترک محدوده شده‌اند (ساکنان و کسبه). طبق گزارش مزبور، رکود بازار و اعتقاد مردم به رعایت نشدن انصاف در آزادسازی زمین‌ها توسط شهرداری از جمله دلایل نارضایتی است و در مجموع پروژهٔ مزبور بیشترین اثرات منفی را در شاخص‌های دسترسی به خدمات، پویایی اقتصادی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، و نگرش منفی عمومی نسبت به مسئولان داشته است^{۱۵}.
در پروژهٔ ساخت میدان امام علی^(ع) بر لایهٔ زمانی مشخصی تأکید و تلاش شده تا با اقدامات کلان کالبدی در فرایندی از

مسئله، در ادبیات نظری، با مفهوم «خاطره» و دوگانه «یادآوری/ فراموشی» گره می‌خورد. دربارهٔ میدان عتیق، گذشتهٔ اخیرِ مکان (سبزه‌میدان) نامعتبر دانسته شده و تمعداً، به قصد «فراموشی»، پاک شده و آینده‌ای برای آن تصور شده که بستر کالبدی آن به بهانهٔ «یادآوری» گذشته‌ای دور شکل گرفته است.

هدف در این پژوهش فهم تجربهٔ گروهی از مردمی است (کسبهٔ قدیمی) که زندگی روزمره‌شان در معرض ساخت میدان «یادمانی» امام علی^(ع) در اصفهان قرار گرفته است. با تکیه بر مفهوم «بازنمایی خاطره» به مثابهٔ امری «سیاسی»، در این پژوهش در پی فهم ماهیت پروژه‌ای هستیم که با هدف تجسد بخشیدن به «خاطره‌ای جمعی» از تاریخ شهر شکل گرفته؛ اما تعارض میان اهداف و ارزش‌های گروه‌های مختلف درگیر با آن چالشی محوری است که ماهیت جمعی آن خاطره را مورد سؤال قرار می‌دهد.

۱. مرور ادبیات

خاطره، به مثابهٔ چیزی از گذشته که در امروز به یاد آورده می‌شود، در مطالعات انسان‌شناسی یکی از عناصر کلیدی هویت شخصی، اجتماعی، و فرهنگی و تداوم خاطره برای فرد امری حیاتی برای شخص بودن^{۱۷} وی دانسته می‌شود.^{۱۸} اگرچه خاطره و تداعی آن در ذهن فرد اتفاق می‌افتد، اما بیشتر پژوهشگران حوزهٔ خاطره، متأثر از مورس هالبواکس^{۱۹}، خاطره را امری اجتماعی و پدیده‌ای جمعی^{۲۰} قلمداد می‌کنند. از این موضع حتی شخصی‌ترین خاطرات ما برای شکل‌گیری و یادآوری نیاز به دیگران و عضویت در گروه‌ها دارد. هالبواکس از چهارچوب اجتماعی^{۲۱} خاطره سخن گفته است، از نظر او فرد تنها درون این چهارچوب‌های اجتماعی است که می‌تواند خاطرات را از گذشته فرابخواند؛ فرد به مثابهٔ عضو یک گروه یا یک سنت فرهنگی است که می‌تواند به یاد بیاورد و خاطره را تجربه کند.^{۲۲} از این موضع در ادبیات نظری، یادآوریِ خاطره با واژهٔ

commemoration معرفی می‌شود، که امری جمعی است^{۲۳}. آلدو روسی^{۲۴} نخستین کسی بود که مفهوم خاطرهٔ جمعی را، متأثر از هالبواکس، در مطالعهٔ شهر و فرایند تغییرات آن به کار برد. در تعریف او آنچه فرایند «معماری شهر» را به مثابهٔ یک کلیت در گذر زمان هدایت می‌کند و تداوم و ماندگاری^{۲۵} را میسر می‌کند، خاطرات جمعی است؛ خاطراتی که درون عناصر عمومی و یادمانی شهر، از جمله فضاهای عمومی آن، انباشت می‌شوند. به این ترتیب مفهوم خاطره با مکان نیز پیوند دارد. به بیانی دیگر نظریه‌پردازان برای خاطره، افزون بر ماهیت اجتماعی، ماهیت فضامندی^{۲۶} نیز قائلند؛ از منظر ایشان خاطره خود را به دنیای اشیا و دنیای واقعی زندگی بسط می‌دهد. یادآوری خاطرات به دستاویزهایی درون فضا نیاز دارد، ضمن اینکه خاطرات نیز در جای خود فضای زندگی ما را ساختار می‌بخشند.^{۲۷}

پیر نورا^{۲۸} مهم‌ترین نظریه‌پرداز است که با مطرح کردن مفهوم «مکانِ خاطره»^{۲۹} به ماهیت فضامندیِ خاطره پرداخته است؛ اما دربارهٔ رابطهٔ خاطره و مکان، بر تفاوت میان دو مفهوم «مکانِ خاطره» و «خاطرهٔ مکان»^{۳۰} تأکید شده است. این تفاوت به چگونگی رابطه‌ای که خاطره با زندگی روزمرهٔ مکان برقرار می‌کند، بستگی دارد. در تعریف هالبواکس^{۳۱} برای افرادی که در مکان حضور دارند و تغییرات آن را در زندگی روزمرهٔ خود تجربه می‌کنند، خاطرات نیز همگام با تغییرات مکان تغییر می‌کند. اما افرادی که در مکان حضور ندارند و تغییرات آن را تجربه نکرده‌اند و از طرق دیگری نسبت به گذشتهٔ آن مکان تخیل و درکی دارند، تصویر ذهنی ثابتی از آن مکان را با خود حمل می‌کنند که تصویری نمادین^{۳۲} است. در این حالت خاطره ثابت است و خود را از تغییرات روزمرهٔ مکان جدا کرده است. این دو حالت معرف دو چهارچوب مختلف رابطهٔ مکان و خاطره است؛ یکی «خاطرهٔ مکان» که واقعی، روزمره، منعطف، و همگام با تغییرات مکان است و دومی «مکانِ خاطره» که از روزمرهٔ مکان فاصله گرفته، ناشناخته، نمادین، و ساده شده^{۳۳} اما

۱۳. نک: فرشاد جعفری و علیرضا قاری قرآن، «احیاء میدان امام علی^(ع) اصفهان با رویکرد توسعهٔ پایدار»؛ حسین جعفری، «طرح احیای میدان امام علی^(ع) - عتیق؛ تجربهٔ بازآفرینی مرکز تاریخی شهر اصفهان».

۱۴. نک: الناز افیونیان، و دیگران، «نگاهی به فرآیند ارزیابی اثرات اجتماعی در پروژهٔ احیای میدان امام علی^(ع)».

۱۵. همان، ص ۱۱۶.

۱۶. نک: جهان‌شاه پاکزاد، و شمین گلرخ، «فهم تجربهٔ تغییر یک‌بارۀ مکان؛ حس مکان ساکنان و کسبهٔ خیابان پیاده‌راه‌شدهٔ ۱۷ شهریور».

17. personhood

۱۸. نک:

M.G. Kenny, "A Place for Memory: The Interface between Individual and Collective History".

۱۹. نک:

M. Halbwachs, *On Collective Memory*.

20. collective

21. social cadres

۲۲. نک:

J. Assman & J. Czaplicka, "Collective Memory and Cultural Identity"; Halbwachs, *ibid*; Kenny, *ibid*;

۲۳. نک:

O.J. Dwyer & D.H. Alderman, "Memorial Landscapes: Analytic Questions and Metaphors".



با مفهوم هویت‌سازی و به‌ویژه هویت ملی گره خورده است؛ یعنی برجسته‌سازی هدفمند خاطرات در راستای هویت‌سازی هدفمند^{۴۰}. به اعتقاد ادوارد سعید^{۴۱} اینکه خاطرات متعلق به گذشته چگونه برجسته یا بازنمایی شوند که «ما» و «آن‌ها» را تعریف کنند، امری ساخته‌شده^{۴۲} است. از این رو خاطره لزوماً اصیل نیست. سعید^{۴۳} با اشاره به کشورهای شرق که حکومت‌های اقتدارگرا دارند، مفهوم «جغرافیای تخیلی»^{۴۴} را مطرح کرده است؛ به معنای فضاهایی که واقعیت زندگی ساکنان را نادیده می‌گیرند و به پنداشت‌های قدرت حاکم اولویت می‌دهند^{۴۵}. اگر یادمان‌ها و یادواره‌ها^{۴۶} را عنصری از منظر شهری بدانیم که گذشته را در خود ثبت و بایگانی می‌کنند، این نقش آن‌ها ماهیت روایتگری‌گزینشی، هدفمند، و کنترل‌شده دارد؛ اینکه چه چیزهایی کمرنگ یا فراموش شوند و چه چیزهایی ثبت و یادآوری، امری کنترل شده است؛ زیرا یادواره‌ها عموماً بازتاب‌دهنده ارزش‌ها و جهان‌بینی قدرت حاکم و طبقه اجتماعی غالب هستند؛ طبقه‌ای که سرمایه اجتماعی و قدرت و منابع لازم را برای بازنمایی گزینشی ارزش‌ها و خاطرات خود در مکان‌ها دارد^{۴۷}. در این باره از مفهوم «یادآوری / فراموشی سازمان‌دهی‌شده»^{۴۸} صحبت می‌شود.

بنتون شرت^{۴۹} معتقد است هر یادواره‌ای معرف برهه‌ای از زمان است که در آن چشم‌اندازی خاص توانسته حتی برای مدتی کوتاه وضعیت هژمونیک را در اختیار بگیرد. نمود مکانی این پیچیدگی‌ها را در عرصه عمومی شهر می‌توان پی گرفت؛ زیرا گفتمان‌های مختلف میل به تجسد کالبدی ارزش‌های خود درون شهر دارند^{۵۰}.

در دهه‌های اخیر به رابطه دوسویه منظر شهری و خاطره در متن تحلیل سیاست‌بازی خاطره بسیار پرداخته شده است. زیتون^{۵۱} یکی از کارکردهای مکان‌های عمومی یادمانی را تجدید انسجام^{۵۲} حکومت‌ها می‌داند. سومارتوجو^{۵۳} در مطالعه رابطه میان هویت ملی، بزرگداشت‌ها، و فضای عمومی، مکان‌های یادمانی

ثابت و بادوام‌تر است^{۳۴}. در نتیجه بازنمایی مکانی خاطرات دو فرم متفاوت می‌یابد: از سویی، یک واقعیت مادی روزمره، و از سوی دیگر، خود را یک نماد یا یک معنای مشخص می‌نمایند که به واقعیت تحمیل یا مرتبط شده است. در حالی که مکان‌ها دائم در حال تغییر هستند، گاهی وقتی همه ردپاهای گذشته از بین رفته است، برای آن‌هایی که به هر طریقی تصویری از آن گذشته در ذهن ساخته‌اند، خاطره به شکل نمادین در ذهن باقی می‌ماند و وقتی بازنمایی مکانی می‌یابد، «مکان خاطره» تولید می‌شود. از این رو می‌توان پرسید در حوزه فضای عمومی شهر، فرایند و نحوه این بازنمایی نمادین (مکان خاطره) چه رابطه‌ای با روزمره مکان (خاطره مکان) برقرار می‌کند؟ این موضوع در کنار ابعاد اجتماعی و فضایی خاطره و یادآوری / فراموشی آن، به بعد سیاسی خاطره اشاره دارد که بخش قابل توجهی از ادبیات نظری این حوزه به آن اختصاص یافته است؛ در بازنمایی نمادین خاطره (مکان خاطره) نقش انگیزه‌های سازمانی و نهادی و رقابت میان گروه‌های اجتماعی مختلف اهمیت می‌یابد.

مکان خاطره امری ساختگی است^{۳۵}، چون وقایع گذشته به صورت گزینشی انتخاب و بازنمایی می‌شوند. این موضوع مبحث مهمی را در حوزه بازنمایی مکانی خاطره بسط داده است: رابطه قدرت و خاطره. آنچه بزرگ داشته می‌شود یا گذشته‌ای که بازتولید می‌شود، لزوماً مترادف واقعیتی که در گذشته اتفاق افتاده نیست، بلکه گذشته بزرگ داشته‌شده بیش از هر چیز طی فرایندهای اجتماعی سیاسی تعریف می‌شود^{۳۶}. از این رو از مفهوم «سیاست‌بازی خاطره»^{۳۷} سخن رفته است^{۳۸}، و منظر شهری و عرصه عمومی نیز، به مثابه عرصه منازعه گروه‌های اجتماعی مختلف، جایی است که هر گروه در پی آن است که به شیوه‌ای و بر اساس ارزش‌های خود، گذشته را روایت کند و به تفسیر خود مشروعیت بخشد^{۳۹}.

ماهیت سیاسی خاطره آن را به ابزار و محملی برای اعمال قدرت بدل می‌کند. در این تعبیر مفهوم «سیاست‌بازی خاطره»

۲۴. نک:

A. Rossi, *The Architecture of City*.
25. permanence
26. spatiality

۲۷. نک:

K. Foote, *Shadowed Ground: America's Landscapes of Violence and Tragedy*; N. Wachtel, "Memory and History: Introduction"; S. Hoelscher, "Angels of Memory: Photography and Haunting in Guatemala City"; S. Hoelscher & D.H. Alderman, "Memory and Place: Geographies of a Critical Relationship"; G. Truc, "Memory of Places and Places of Memory".

۲۸. نک:

P. Nora, *Les lieux de Mémoire*; Idem, "Between Memory and History: *Les Lieux de Mémoire*".
29. sites of memory/ place of memory
30. memory of place

۳۱. نک:

M. Halbwachs, *Les Cadres Sociaux de la Mémoire*; Truc, *ibid*.
32. symbolic
33. simplified
34. Truc, *ibid*, p. 149.
35. *Ibid*, p. 150.
36. Dwyer & Alderman, *ibid*, p. 167.
37. politics of memory

G.J. Ashworth, "From History to Heritage—From Heritage to Identity"; Foote, *ibid*; D. Hayden, *The Power of Place: Urban Landscapes as Public History*; D.H. Alderman, "A Street Fit for a King: Naming Places and Commemoration in the American South"; K. Till, *The New Berlin: Memory, Politics, Place*; K. Mitchell, "Monuments, Memorials, and the Politics of Memory"; O.J. Dwyer, "Symbolic Accretion and Commemoration"; Idem, "Location, Politics, and the Production of Civil Rights Memorial Landscapes".

Dwyer & Alderman, *ibid*, p. 171; C. Nicholson, Cathy. "The Role of Collective Memory in Protracted Conflict"; I.M. Maoz & B.M. Powell, "Revisiting Barriers to Conflict Resolution: Perspectives in Power, Relationships and Application to Practice"; L. Mazur, "The Social Psychology of Intractable Conflicts".
40. Hoelscher & Alderman, *ibid*, p. 349.

را ابزاری برای وصل کردن افراد به مفهوم ملت و تاریخ آن می‌داند؛ حکومت‌ها با ساخت فراروایت‌ها و ارزش‌های بی‌زمان ملی، در پی نمایش یک کلیت ماندگار (ملت) هستند که واجد گذشته، امروز، و آینده باشد^{۵۴}. دایر^{۵۵} نشان می‌دهد که چگونه روابط قدرت هژمونیک خود را حتی در روایت‌هایی جمعی که تجسد نمادین جنبش‌های شهری و مردمی هستند نیز بازتولید می‌کنند. وی به طور خاص از نگاه جنسیتی در روایت قهرمان‌های جنبش‌های مزبور سخن می‌گوید. یکی از بارزترین نمودهای مکانی بازنویسی هدفمند گذشته استراتژی نام‌گذاری یا تغییر نام فضاهای عمومی^{۵۶} و همچنین استراتژی مکان‌یابی یادمان‌ها است^{۵۷} که در دولت‌های اقتدارگرا اغلب در فرایندی از بالا به پایین^{۵۸} اتفاق می‌افتد.

اما در عین حال، نیروهای محلی و تاریخ محلی مکان نیز توانایی مقاومت در برابر این فراروایت‌ها را دارند؛ گروه‌های اجتماعی مختلف (قومیت‌ها، جنسیت‌ها، هویت‌های محلی، و...) در فرایندهای اجتماعی تاکتیک‌های مقاومت و نزاع را به کار می‌گیرند. نیروهای رسمی از یک سو، و نیروهای اجتماعی از سوی دیگر، هر یک با شیوه‌هایی که برای تولید یا استفاده از مکان‌های یادمانی به کار می‌برند، هم‌زمان و به طور دائم یکدیگر را تقویت و تضعیف می‌کنند، و فضای عمومی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بروز این دیالوگ است. هولشر^{۵۹}، به کمک مفهوم «کارگران خاطره»^{۶۰} و تحلیل نحوه نمود خاطره تاریخی در تصاویر ترسیم‌شده در فضای عمومی، تحلیل می‌کند که چگونه مردم و کنشگران می‌کوشند تا در برابر فراموشی سازمان‌یافته مقاومت کنند^{۶۱}. همچنین در این باره می‌توان به مفهوم «ضد خاطره»^{۶۲} و «ضد یادمان»^{۶۳} اشاره کرد. مفهوم «ضد خاطره» را میشل فوکو در کتاب *زبان، ضد خاطره، عمل*^{۶۴} مطرح کرده است. او به تحلیل ارتباط میان نظم هژمونیک و خاطرات گروه‌های محلی پرداخته است، با تأکید بر امکان ساخت خاطره از پایین به بالا. فوکو^{۶۵} عمل یادآوری/ فراموشی را در

متن روابط قدرت/ مقاومت تحلیل می‌کند؛ درون تاریخ رسمی یا خاطره‌ای که توسط ساختارهای سیاسی تعریف می‌شود و نمود عینی می‌یابد، ضد تاریخ و ضد خاطره‌هایی وجود دارند که خارج از چهارچوب‌های رسمی تولید می‌شوند و با آن‌ها همزیستی دارند و در عین حال آن‌ها را به چالش می‌کشند^{۶۶}. تاریخ رسمی می‌کوشد تا وحدت و تداوم بدنه سیاسی را از طریق تحمیل تفسیری خاص از گذشته مشترک و همچنین با خاموش کردن و در سکوت نگه داشتن تفسیرهای آلترناتیو آن حفظ می‌کند. ضد تاریخ‌ها می‌کوشند تا این سکوت‌ها را از بین ببرند و فرم این مقاومت، چرخیدن انتقادی به سمت صداها، و تجربه‌های فراموش شده از موضع امروز است^{۶۷}.

در توصیف و تحلیل جایگاه سیاسی برنامه‌ریزی و طراحی شهری در عمل ساخت یادمان‌ها، مفهوم «مشروعیت‌بخشی» نقش مهمی دارد. برنامه‌ریزی و اسناد توسعه شهر قدرت آن را دارند که مکان‌های یادمانی (شامل فضاهای عمومی) و حس تعلق و هویتی که در آن‌ها تجسد می‌یابد را مشروعیت ببخشند^{۶۸}. شین^{۶۹}، با نگاهی خوشبینانه، با تحلیل فرایند تصمیم‌سازی برای احیای تاریخ جمعی، مفهوم اجماع‌سازی^{۷۰} را مطرح می‌کند و ایجاد بستر گفتگو و مجادله میان گروه‌های مختلف را لازمه مشروعیت تصمیم‌ها می‌داند. در چنین فرایندی مردم عادی نیز به اندازه کارشناسان باید قدرت دسترسی به اطلاعات و بیان اولویت‌هایشان را داشته باشند^{۷۱}، اما اینکه در عمل چقدر چنین فرایندی می‌تواند محقق شود یا نه، جای سؤال است. در نگاه انتقادی کیم داوی^{۷۲} ماهیت سیاسی فضای عمومی فی‌نفسه توانایی بر هم زدن معادلات قدرت و مداخلات نمادین و هدفمند آن را دارد؛ طراحی شهری در عین اینکه ارزش‌های قدرت حاکم را مشروعیت و تجسد می‌بخشد، از آنجاکه «فضای عمومی» تولید می‌کند — که ماهیتش آن را به عرصه‌ای برای مقاومت سیاسی تبدیل می‌کند — هم‌زمان عرصه‌ای فراهم می‌کند که پتانسیل تبدیل شدن به ضد خاطره و وارونگی معنایی^{۷۳} را دارد.

معناها می‌توانند وارونه شوند، همان‌گونه که اقتدارگرترین فضاها نیز می‌توانند به مکانی برای کنش و شدن^{۷۴} تبدیل شوند^{۷۵}. از این‌رو در تعبیر داوی علوم طراحی نقاب‌های قدرت برای هر دو جبهه هستند: هم برای اقتدار حاکم و هم برای مقاومت در برابر آن. این ماهیت فضای عمومی به حوزه نظری گسترده‌تری پیوند می‌خورد که ماهیت سیاست‌بازی فضای عمومی را توصیف می‌کند. در این پژوهش، با تمرکز بر نمونه یک فضای عمومی یادمانی، بر تعامل میان سیاست‌بازی خاطره و فضای عمومی تمرکز شده است؛ فضای عمومی فراتر از آنکه بستر بروز ماهیت سیاسی خاطره باشد، خود به مثابه سوژه یا موضوع منازعات قدرت/مقاومت در امر خاطره عمل می‌کند.

۲. روش پژوهش

این مقاله حاصل پژوهشی میدانی و مستمر طی سال ۱۳۹۸ است. بر اساس رویکرد پژوهش در آغاز تلاش بر این بود تا مصاحبه‌ها بر تحلیل تجربه کسبه‌ای که به خاطر اجرای این پروژه مجبور به ترک مکان پیشین کسب‌وکار خود شده‌اند، متمرکز شود، اما پس از انجام مطالعات میدانی اولیه و با توجه به اینکه با گذشت ۱۰ سال از آغاز اجرای پروژه، هنوز فازهایی از طرح در دست اجرا و بلا تکلیف است، تصمیم بر آن شد تا تجربه کسبه‌ای مطالعه شود که هنوز در محدوده مکان حضور دارند، هم درک ملموسی از اتفاقات سال‌های گذشته دارند و هم در معرض اقدامات فازهای آتی هستند و زندگی روزمره‌شان همچنان تحت تأثیر تغییرات جاری مکان است. از این‌رو چنین وضعیتی، به مثابه پدیده‌ای فعال که در روند تغییرات مکان تولید شده است، مورد مطالعه قرار گرفت. برای رسیدن به این منظور روش پژوهش نظریه زمینه‌ای به این دلیل انتخاب شد که هدف آن، فراتر از تفسیر و توصیف پدیده، تولید یا کشف^{۷۶} یک نظریه به مثابه سناریو یا طرح‌واره‌ای^{۷۷} انتزاعی است که وضعیت مورد مطالعه و فرایند معناشناختی شکل‌گیری آن را توضیح دهد^{۷۸}.

در این پژوهش نظریه بر اساس رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین^{۷۹}، طی فرایند متوالی کدگذاری (باز، محوری، و گزینشی) و ساخت مفاهیم و مقوله‌ها تولید شد.

جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها هم‌زمان انجام شد و فرایند مقوله‌سازی تا مرحله اشباع نظری پیش رفت؛ یعنی تا جایی که دیگر نمونه‌های جدید چیزی به مقوله‌های به‌دست آمده و روابط کشف‌شده میان آن‌ها اضافه نمی‌کرد. از این‌رو نمونه‌گیری نیز از نوع نظری انتخاب شد، یعنی تعداد مشارکت‌کنندگان بستگی به آن داشت که نظریه چه وقت قوام یابد و از عهده پیچیدگی موضوع برآید. نظریه تولیدشده در قالب مدل پارادایمی معرفی شده است. در مدل مزبور مقوله یا پدیده هسته‌ای^{۸۰} به‌دست‌آمده نقش پدیده تجربه‌شده را دارد و دیگر مقوله‌ها، با توجه به رابطه‌ای که با مقوله هسته‌ای دارند، چهار نقش مختلف «شرایط علی»^{۸۱}، «شرایط زمینه‌ای»^{۸۲}، «استراتژی‌ها»^{۸۳} یا «تعاملات»^{۸۴}، و «پیامدها»^{۸۵} را می‌یابند^{۸۶}.

در این پژوهش داده‌ها براساس مصاحبه نیمه‌ساختارمند با ۱۶ نفر از کسبه مستقر در محدوده میدان امام علی (ع) اصفهان به دست آمد. مصاحبه‌شوندگان از نظر موقعیت از سه گروه مختلف انتخاب شدند؛ کسبه‌ای که دکان‌های پیشین خود را به شهرداری واگذار کرده بودند و به جای آن دکانی جدید در بدنه میدان جدید (با قیمت بیشتر) خریده بودند؛ دوم کسبه‌ای که هنوز در دکان‌های پیشین خود مشغول به کار بودند، اما در محدوده طرح قرار داشتند و در اجرای فازهای آتی می‌باید دکان‌ها را واگذار کنند؛ سوم کسبه‌ای که در ابتدای راسته‌بازارهای منتهی به میدان مستقر بودند. همه مصاحبه‌شوندگان کسبه قدیمی هستند که بیش از ۱۵ سال در این محدوده کسب‌وکار داشته‌اند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان کسانی بودند که به توصیه کسبه دیگر انتخاب شدند؛ زیرا معتمد و قدیمی بودند و اطلاعات بیشتری درباره پروژه و اتفاقات آن داشتند. مصاحبه‌ها در روزهای غیرتعطیل هفته انجام شده است. ۴ پرسش کلیدی

41. E.W. Said, "Invention, Memory, and Place", pp. 177-179.

42. invented memory

نک: ۴۳

Said, "Invention, Memory, and Place"; Idem, *Orientalism*.

44. imaginative geography

45. Hoelscher & Alderman, *ibid*, p. 350; Said, *ibid*, p. 181.

۴۶. لازم است به تفاوت دو مفهوم یادواره memorial و یادمان monument اشاره شود؛ یادواره به طور کلی شامل هر عنصر فرهنگی مادی است که اشاره به خاطره‌ای جمعی دارد (شامل علائم، مجسمه‌ها، تصاویر، و...). یادمان‌ها یکی از انواع یادواره‌ها و اغلب عناصری فضایی هستند (J.E. Young, "Memory and Counter-memory"; Dwyer & Alderman, *ibid*, p. 167).

47. Dwyer & Alderman, *ibid*, p. 168.

۴۸. organized remembrance \ forgetting
نک:

Hoelscher, "Angels of Memory: Photography and Haunting in Guatemala City".

49. L. Benton-Short, "Politics, Public Space, and Memorials: The Brawl on the Mall", p. 299.

با مکان جدید — که ناتوان در پیوند با زندگی روزمره‌شان بوده — را توصیف کنند.

راهنمای پژوهشگران در هدایت مصاحبه‌ها بوده است:

— موفقیت پروژه را چگونه ارزیابی می‌کنند و چه قضاوتی درباره اهداف پروژه دارند؟

— در مقایسه میان وضعیت پیشین و فعلی بر چه موضوعاتی تأکید دارند؟

— چه ارزیابی‌ای درباره تغییرات و تأثیر آن‌ها بر زندگی‌شان دارند؟
— چه درکی از میدان جدید به مثابه یادمانی از خاطره جمعی شهر اصفهان دارند؟

متن همه مصاحبه‌ها ضبط و سپس روی کاغذ پیاده شده است. در کدگذاری باز بریده‌هایی از توصیف‌های شرکت‌کنندگان، که در پاسخ به پرسش‌ها معنادار بودند، به هر دو شیوه سطر به سطر و پاراگرافی تحلیل شدند و یادداشت‌های تحلیلی در راستای کشف مفاهیم و نام‌گذاری آن‌ها تهیه شد. آن مفاهیم، بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوایی‌شان، دسته‌بندی شدند و بدین طریق مقوله‌ها به دست آمدند. در کدگذاری محوری، رابطه میان مقوله‌های به‌دست‌آمده تفسیر و مقایسه گردید و خوشه‌هایی از مقوله‌ها تولید شدند. در کدگذاری گزینشی، مقوله‌ها یکپارچه و مقوله هسته‌ای و سناریوی نظری توصیفگر روابط میان مقوله‌ها تولید شد.

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. مقوله‌های توصیفگر تجربه کسبه از

ساخت فضای عمومی یادمانی

پنج خوشه مقوله به‌دست‌آمده توصیفگر معناهایی شدند که در تحلیل صحبت‌های همه مصاحبه‌شوندگان برجسته و نمایان شد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که فراتر از «نارضایتی» کسبه — به مثابه یک مفهوم کلی و مشهود در وضعیت فعلی میدان — ایشان با «نادیده گرفته شدن» خود در این پروژه مسئله دارند و «حس فقدان» چیزی در گذشته، که به‌رغم مشکلاتش رابطه‌ای دوسویه با زندگی‌شان داشته است، باعث شده تا بازخوردهایی روانی را به کار گیرند تا نسبت خود

۳.۱.۱. گسست پیوند مکان با زندگی روزمره مردم

— توجیه‌پذیری؛ نقد ضرورت جانمایی مکان جدید در زندگی امروز مردم؛ گستردگی تغییرات زندگی روزمره مردم را مختل و الگوهای ذهنی، که پیش از این توصیفگر ارتباط کار و زندگی‌شان با مکان بوده، را دگرگون کرده است. این وضعیت مصاحبه‌شوندگان را در موضع نقد و مقایسه گذشته و امروز و سود و زیان پروژه قرار می‌دهد. در چنین موضعی، اهداف نمادین و حتی عملکردی پروژه فاقد ارزش و معنی است؛ زیرا اولیاتی برای زندگی روزمره گروه‌های درگیر با مکان به نظر نمی‌آید. مکان جدید در نخستین جملات افراد با واژگانی چون «مزخرف»، «بیخود»، «به‌دردنخور»، «هچل‌هف» توصیف می‌شود؛ چیزی که «کار نمی‌کند» و «واضح است که همه چیز را خراب کرده است». از نظر افراد این مکان در گذشته نظمی آشنا داشته که از دست رفته و «اصلاً مردم اینجا گم می‌شوند» و وضعیت جدید هم آشفته است؛ «حالا خیلی هم آبادش نکردند که بگویند بهتر از قبل شده. فقط چهار تا بازار میوه قدیمی و سنتی بود که آن را هم از بین بردند...». افراد می‌پذیرند که وضعیت پیشین مکان مشکلاتی داشته، اما معتقدند خیلی راه حل‌های دیگری هم حتماً بوده، «اگر کمی بازسازی می‌شد و سروسامان می‌دادند کافی بود» و «اگر عقلشان کار می‌کرد می‌توانستند راه حلی پیدا کنند که زندگی مردم و بازار خراب نشود». اهداف نمادین و فرهنگی این پروژه ارزش مختل شدن زندگی و کاسبی را نداشته؛

ما در خاک‌وخل‌های آن موقع بهتر کار می‌کردیم. این قدر کاسبی بد شده که من الان دارم با تاکسی کار می‌کنم. یک نرده گذاشتند و چیزی ساختند که شهرداری گاهی جشنی راه بیاورد و تبلیغ کند.

— شکل‌گیری سه گانه ما/ مکان/ آن‌ها: مردم به‌ویژه کسبه با اینکه مهم‌ترین عناصر تأثیرپذیر از تغییرات بوده‌اند، اما در وضعیتی

۵۰. built environment as materialized discourse. نک: R.H. Schein, "The Place of Landscape: A Conceptual Framework for Interpreting an American Scene".

51. T. Zittoun, "Memorials and Semiotic Dynamics", p. 487.

52. reunification
53. Sh. Sumartojo, "National Identity and Commemorative Space: Connections to the Nation through Time and Site", p. 12

۵۴. همچنین نک:

S. Yea, "Rewriting Rebellion and Mapping Memory in South Korea: The (Re) presentation of the 1980 Kwangju Uprising through Mangwol-dong Cemetery"; Q. Stevens & Sh. Sumartojo, "56 after '89: Re-commemorating Hungarian History after the Fall of Communism".

۵۵. نک:

O. Dwyer, "Location, Politics, and the Production of Civil Rights Memorial Landscapes".

۵۶. نک:

D.H. Alderman, "New Memorial Landscapes in the American South".



«نامعلوم» و در بی‌خبری قرار داشته‌اند. آن‌ها به شکلی گسترده «در معرض» تأثیرات پروژه و تنها در جایگاه «شاهدان تغییرات» محیط کار و زندگی‌شان قرار گرفته‌اند و این وضعیت همچنان ادامه دارد. احساس ناتوانی در تحلیل وضعیت و پیش‌بینی آینده باعث شده تا خود را از مکان جدا بدانند و سه‌گانه «ما/ مکان/ آن‌ها» شکل بگیرد و جست‌وجوی مشکلات میدان و پیرامونش (مکان) به ابزاری برای نقد توانایی مدیریت شهری (آن‌ها) تبدیل شود. «انتظار برای رفع مشکلات و رصد آن‌ها»، به مثابه واکنشی که بازتولید می‌شود، افراد را در جایگاه منتقد بانیان پروژه قرار می‌دهد. افراد اغلب پروژه را «ناقص»، «ناموفق»، و «شکست‌خورده» و مدیریت شهری را ناتوان در حل مشکلات می‌دانند:

فعلاً که قفل شده و خودشان هم نمی‌توانند کاری کنند. چه کسی می‌آید این مغازه‌ها را بخرد؟ سرمایه‌اش را بگذارد اینجا دکان بخرد و بنشیند غصه بخورد که نمی‌تواند کار کند؟ چه کسی از این مغازه‌ها خرید می‌کند؟

اقدامات موقتی شهرداری برای رونق دادن به محدوده را کاملاً بی‌فایده می‌دانند، گو اینکه مکانی که ساخته شده خود به یک معضل تبدیل شده است.

جواب نداده، ۱۰ سال از این پروژه می‌گذرد و می‌بایستی دیگر تا الان بازده اقتصادی می‌داشت، اما ندارد... هر از گاهی کارهایی می‌کنند، چادر می‌زنند و دست‌فروش‌ها چیزهایی می‌فروشند، اما آن هم فایده نداشت... قدیمی‌ها می‌گفتند بی‌بی از بس خوشگل است یک خال هم گوشه‌ی لبش گذاشتند. حالا این پروژه هم حکایت این است، با زرق و برق که نمی‌شود کاری کرد...

۳.۱.۲. عدم مشروعیت مکان: مطالبه‌ی حق و سهم خود
- قهریت سازمان‌یافته: در مقایسه آنچه از دست رفته و آنچه حاصل شده، کسبه پیرامون میدان خود را مغلوب مکانیسم قهری

سازمان‌یافته و یک‌سویه‌ای می‌دانند که با «زور» و «دروغ» و «حیله» دکان‌ها را از کسبه گرفته و شرایطی را به مردم تحمیل کرده‌اند که به انتخاب و اختیارشان نبوده است. تأکید بر نبود رضایت مردم در توضیحات افراد مشهود است؛ رضایتی که اگر هم کسب شده، با زور یا حیله بوده است؛ «آن‌ها کاری ندارند که کسی چه نظری دارد. خودشان تصمیم می‌گیرند...». داستانی که در صحبت‌های همه مصاحبه‌شوندگان بازگو می‌شد بیانگر آن است مدیریت شهری نه‌تنها در تصمیم‌ها و جزئیات با کسبه شفاف نبوده — «تعداد زیادی ضرر کردند. در تلویزیون گفتند هر کلیدی بگیریم به جایش یک کلید می‌دهیم. اما این کار را کردند؟» — بلکه به‌وضوح به نفع خود عمل کرده است. دکان‌هایی که در طرح قرار می‌گرفته با وعده‌هایی تملک و سپس دکان‌های جدید بازسازی شده و به قیمت چندبرابر آنچه از مردم خریدند، به فروش رفته است؛ «حیله زدند. گفتند فضای سبز می‌کنیم. ولی دکانشان کردند... سود بردند». این مکانیسم یک‌سویه و عریان، از دید افراد قانون را نیز در اختیار دارد و به نفع خود به کار می‌برد.

به بقیه هم که در طرح مانده‌اند می‌گویند ۵۰ میلیون از شما می‌خریم، این‌ها هم گفته‌اند ما نمی‌خواهیم. حالا شهرداری می‌خواهد ماده ۸ را اعمال کند که به زور بیان‌زدشان بیرون. قانون دست آخرشان ماده ۸ است.

- **حس بازنده بودن:** نادیده گرفته شدن کسبه در سود و زیان پروژه حس بازنده بودن را برایشان به همراه داشته است. کسبه ادبیات توصیفی خود، متأثر از زبان و منطق بازار، سود و زیان مادی و سهم دو جناح مقابل را مهم می‌دانند. دکان‌ها ارزان خریده و گران فروخته می‌شود و با توجه به رونق نداشتن بازار پیرامون، خرید دوباره دکان توسط خود کسبه منطقی به نظر نمی‌رسد. در این معامله نظر و منفعت کسبه در اولویت نبوده است: برای ما نتیجه‌ای نداشت... به ما هیچ چیزی نگفتند. فقط گفتند اگر پول دارید بگذارید کنار چون امکان دارد بیایند سراغتان که

۵۷. نک:

L. Benton-Short, "Politics, Public Space, and Memorials: The Brawl on the Mal".

۵۸. نک:

R. Rodrigo, "Making Public Pasts: Cultural Dialogue and Negotiation in Public Space".

۵۹. نک:

Hoelscher, "Angels of memory: photography and haunting in Guatemala City".
۶۰. memory workers/ labor of memory
۶۱. نک: of memory
E. Jelin, *State Repression and the Labors of Memory*.

۶۱. نک:

S.H. Awad, "Documenting a Contested Memory: Symbols in the Changing City Space of Cairo".
۶۲. counter- memory: نک:

M. Foucault, *Language, Counter-memory; Practice: Selected Essays and Interviews*; H.A. Giroux, *Pedagogy and the Politics of Hope: Theory-culture and Schooling: A Critical Reader*; T.J. Stanley, "Creating the 'space' for Civic Dialogue".

۶۳. counter- monument: نک:

M. Foucault, *ibid*; J.E. Young, "The Counter-Monument":



مغازه‌هایتان را خراب کنند و بعد باید بتوانید یک جا جایگزین بگیرید.

کسبه در موضع پذیرفتن یا نپذیرفتن نیستند و تصمیم‌ها به آن‌ها اعلام می‌شود و شفاف و پیش‌بینی‌پذیر نیست و این با منطق بازار برای مدیریت آینده همخوان نیست. الگویی که در تملک و تخریب و فروش دکان‌های جدید به کار رفته در زبان انتقادی کسبه با واژگانی چون «حق‌الناس»، «غصب»، و «تصاحب» توصیف می‌شود؛ چون مردم راضی نبودند و نیستند؛ «حرام و حلال را قاطی کردند. مردم رضایت نداشتند. همه کسانی که مغازه‌شان را دادند رضایت داشتند؟ نه!».

۳.۱.۳. تکرار سناریوی بی‌اعتمادی؛ وجود الگوهای تصمیم‌پذیر

– دوگانه‌رهایشدگی/مداخله تام: حضور و مداخله تام و یک‌باره مدیریت شهری در خصوص سبزه‌میدان در تجربه افراد اشاره به سناریوها و الگوهایی آشنا و تکرارشونده دارد که بدینی ایشان را نسبت به وضعیت‌های دوگانه‌رها شدن/مداخله تام صورت‌بندی می‌کند.

مثل دروازه دولت که یک دندان‌پزشکی بود و زیرش یک کفش‌فروشی بود و آتشش زدند و بعد گفتند باید خراب شود و صبح خرابش کردند. بعداً گفتند فلکه می‌شود، اما دکانش کردند و الان اصلاً نگرفته است.

در این سناریوها مدیریت شهری هیچ‌وقت کاری را به خاطر مردم نمی‌کند، اصلاحات تدریجی و حمایت مستمر از نیروهای محلی نمی‌کند، در صورتی که برایش کاری ندارد، اما رها می‌کند تا خراب شود و یک روز با طرحی کلان تغییرش دهد؛ چون می‌خواهد در بازار دخالت کند و سودی ببرد؛

خوب خودشان می‌خواستند اینجا آن‌طور (مثل گذشته) باشد. آن‌طور برای خودشان نگه داشتند که بعداً خرابش کنند به بهانه مشکلاتش،

اما درواقع مدیریت شهری هر وقت خودش بخواهد به نفع

خودش وارد عمل می‌شود و هر کاری را عملی می‌کند. ...من بچه که بودم می‌گفتند این پل را خراب می‌کنند و همه می‌خندیدند و می‌گفتند چه کسی می‌آید اینجا پول خرج کند. اما این کار را کردند و این زیرگذر را ساختند. بعد میدان را گفتند می‌سازند و کسی باور نکرد، اما ساختند و تمام شد و باز هم قرار است پروژه اضافه بشود. سه تا میدان می‌شود در کل ...

– تروما، سایه سنگین آسیب‌ها: با همه این اوصاف، به نظر می‌رسد «رونق» کسب‌وکار می‌توانسته التیام‌بخش سرگردانی‌ها و آسیب‌های چند سال اخیر باشد؛ «کاری نکردند که حداقل آباد بشود» و «هر کس دکان‌های جدید را خرید پشیمان است و الان فروشنده است». سایه سنگین آسیب‌ها بر زندگی کسبه بازمانده حضور دارد – «مردم در مضیقه هستند. تکه‌تکه می‌آیند جلو و می‌خواهند مغازه‌ها را خراب کنند» – و تکرار سناریوها به بی‌اعتمادی و نگرانی برای آینده دامن می‌زند، به‌ویژه آنکه هنوز بخش‌هایی از بازار در محدوده طرح است و احتمال تخریب آن‌ها وجود دارد.

...خیلی اذیت شدیم تا اینجا ساخته شد. می‌گویند دکان ما هم در طرح فضای سبز است... به اسم فضای سبز ارزان می‌خرند و خراب می‌کنند و بعد دوباره همه را مغازه می‌کنند... و وقتی باید پول مردم را بدهند می‌گویند بوجه نداریم یا باید شروع نمی‌کردند اصلاً، یا حالا که شروع کردند باید رضایت مردم را فراهم کنند.

۳.۱.۴. مشروعیت‌بخشی به روایت ما / مشروعیت‌زدایی از روایت آن‌ها

– اعتباربخشی به گذشته خیر/ اعتبارزدایی از امر جدید: بخش قابل توجهی از توصیف‌ها به ارزش‌گذاری اهداف پروژه‌ای که «آن‌ها» اجرا کردند، در مقایسه با ارزش چیزی که متعلق به زندگی «ما» بوده و از دست رفته اشاره دارد. در این شیوه بیان نوستالژیک نوعی گزینش احساسی اتفاق می‌افتد تا هم‌زمان از امر جدید (میدان امام علی) اعتبارزدایی کند و به امر گذشته (سبزه‌میدان)

Memory against Itself in Germany Today"; Idem, *The Texture of Memory: Holocaust Memorials and Meaning*; Idem, "Memory and Counter-memory".

۶۴ نک:

Foucault, *ibid*.

۶۵ نک:

Idem, *Society Must Be Defended*.

66. J. Medina, "Toward a Foucaultian Epistemology of Resistance: Counter-memory, Epistemic Friction, and Guerrilla Pluralism", p. 12.

۶۷ نک:

Ibid, pp. 13-14; A.J. Jacobs, "Symbolic Urban Spaces and the Political Economy of Local Collective Memory: a Comparison of Hiroshima and Nagoya, Japan"; M.L. Buffington & E. Waldner, "Human Rights, Collective Memory, and Counter Memory: Unpacking the Meaning of Monument Avenue in Richmond, Virginia"; S. Legg, "Sites of Counter-memory: the Refusal to Forget and the Nationalist Struggle in Colonial Delhi".

۶۸ نک:

T. Fenster, "Belonging, Memory and the Politics of Planning".



فرم میدان جدید را به مثابه بازسازی گذشته کهن میدان نیز قبول ندارند؛ «میدان سلجوقی هم این شکلی نبوده است... یک سری طاق و قوس ساختند که شبیه یک جای قدیمی بشود».

۳. ۱. ۵. یادآوری امر فراموش شده؛ حضور روایت حذف شدگان

– تصاحب به مثابه خاطره جمعی: از اهداف ساخت میدان امام علی^(ع)، ساخت روایتی معاصر از تاریخ و عظمت میدان کهن بوده است. این یادآوری هدفمند با فراموشی هدفمند وضعیت

پیشین مکان «سبزه میدان» توأمان بوده است، به مثابه استراتژی‌ای برای احیا و ساخت هویت جمعی جدید؛ اما آنچه در تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان نمایان است، چیزی است که می‌بایست فراموش می‌شده ولی در عمل برجسته‌تر شده است و اهداف نمادین پروژه را تحت‌الشعاع قرار داده است. روایتی جمعی شکل گرفته که در مقابل مفهوم احیا قرار می‌گیرد؛ سبزه میدان تصاحب شده است و «تصاحب» به مثابه خاطره‌ای جمعی – «همه می‌گویند» – در روایت‌های شفاهی بازگو می‌شود. نقد اخلاقی و شرعی فرایندی که اتفاق افتاده (تصاحب) نه تنها معرف عدم مشروعیت مکان جدید است، بلکه توجیهی اخلاقی برای مقاومت و فقدان استقبال مردم از مغازه‌های جدید نیز به نظر می‌رسد؛ «چون صاحبان قبلی راضی نیستند، زمین‌ها غصبی است و برای همین کسی راضی نیست دکان‌ها را بخرد».

...این‌ها همه مغازه‌ها را به زور گرفتند، همه این‌ها غصبی است، از هر کس بپرسی می‌گوید غصبی است و نمی‌خرد. اجاره نمی‌کنند...

«راضی نیستند مردم، حتی یکی دو تا از آقایان را بردند نماز جماعت بخوانند، آقا رغبت نکرد گفت زمینش غصبی است...».

– جمعی شدن زندگی شخصی آسیب‌دیدگان: هر کدام از مصاحبه‌شوندگان داستان‌هایی از آنچه بر سر مال‌باختگان پروژه آمده تعریف می‌کند؛ نام کاسبانی که سال‌ها در این محل

اعتبار ببخشند؛ «قدیمی بودنش خیلی فرق داشت. اصلاً اینجا را از بین بردند، دیگر مثل اولش نمی‌شود». مصاحبه‌شوندگان بر نام «سبزه میدان» تأکید بسیار دارند و مکان جدید برایشان فاقد هویت و ارزش جمعی است، درحالی که مکان پیشین امری آشنا برای همه بوده است، آن را به «ارزانی فروشی» می‌شناختند، حال و هوای خاصی داشته، و از این حیث واجد اعتبار و ارزشی جمعی بوده است؛ قبلاً خراب نبوده، می‌توانستند همان را بازسازی کنند و سامان دهند، اگر سرچ کنی و عکس‌های قدیم را ببینی کاملاً مشخص است،

اما حالا «مردم اینجا را نمی‌شناسند، همه می‌گویند سبزه میدان را از بین بردند و دیگر سبزه میدان نیست». از سویی تعلق نمادین میدان جدید به گذشته‌ای دور نیز برای ایشان فاقد اعتبار است، چون آن گذشته خیلی وقت است که از خاطره جمعی شهر زوده شده و مردم درکی از آن نداشته‌اند؛ «...اینجا میدانی نبوده اصلاً، چهل پنجاه سال است که این‌طوری نبوده...». درواقع مردم با روایتی ساخته‌شده توسط «آن‌ها» مواجه شده‌اند؛ «این‌ها می‌گویند دوره سلجوقی این‌طور بوده، اما به سن ما که نبوده، چند قرن پیش بوده»، «بله قدیم یک میدان این‌طوری بوده، اما قرار نیست که باز هم آن‌طور بشود».

– اصالت‌بخشی به گذشته اخیر/ اصالت‌زدایی از امر جدید: این ارزش‌گذاری به اعتبار مکان نزد مردم محدود نمی‌شود، بلکه معنا و اصالت آن را نیز در قیاس با گذشته تخریب‌شده نقد می‌کنند، به گونه‌ای که سبزه میدان را اصیل و میدان امام علی^(ع) را مصنوعی می‌دانند؛ اصالت‌بخشی به گذشته اخیر و هم‌زمان اصالت‌زدایی از امر جدید. در این ارزش‌گذاری، شباهت میدان امام علی^(ع) به میدان نقش جهان و استفاده از واژگانی چون «کی‌برداری»، «ساختگی»، و «تقلیدی» بیانگر ناتوانی مکان یادمانی جدید در خلق ارزشی منحصر به فرد و شکست قطعی آن در «رقابت» با میدان نقش جهان است؛ «یک کی‌برداری بود از میدان نقش جهان... ولی آن کجا و این کجا». همچنین

۶۹. نک:

H. Shin, "Re-making a Place-of-memory: The Competition between Representativeness and Place-making Knowledge in Gwangju, South Korea" 70. consensus-making

۷۱. نک:

Q. Stevens, "The Future is Open to the Past; Public Memorials in Evolving Urban Landscapes".

۷۲. نک:

K. Dovey, "Memory, Democracy and Urban Space: Bangkok's Path to Democracy".

۷۳. semantic inversion: نک:

M. De Certeau, *The Practice of Everyday Life*.

74. becoming

75. K. Dovey, *ibid*, p. 267.

76. to Generate or Discover

77. an abstract analytical schema

78. J.W. Creswell, *Qualitative Inquiry and Research Design*, p. 63.

۷۹. نک:

A. Strauss & J. Corbin, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory, Procedures, and Techniques*.

80. Core Phenomenon

81. Casual Conditions

82. Contextual and intervening Conditions

83. Strategies

بوده‌اند، «همین دکان کناری»، «بعد از چهل سال کاسی». افراد نقش شاهدان زندگی‌های آسیب‌دیده را دارند، این همه آدمی که «دق کردند و مردند»؛

من کسی را می‌شناسم که کلیدهای مغازه‌اش هنوز در جیب من است. یک روز صبح که دکانش بسته بود لوذر آوردند، خراب کردند و همه چیز را بردند.

جدول ۱. فرایند کدگذاری و مقوله‌سازی؛ تدوین: نگارندگان.

به این ترتیب غایبان رانده‌شده از مکان در روایت‌های شفاهی زندگی روزمره مکان جدید حضور دارند.

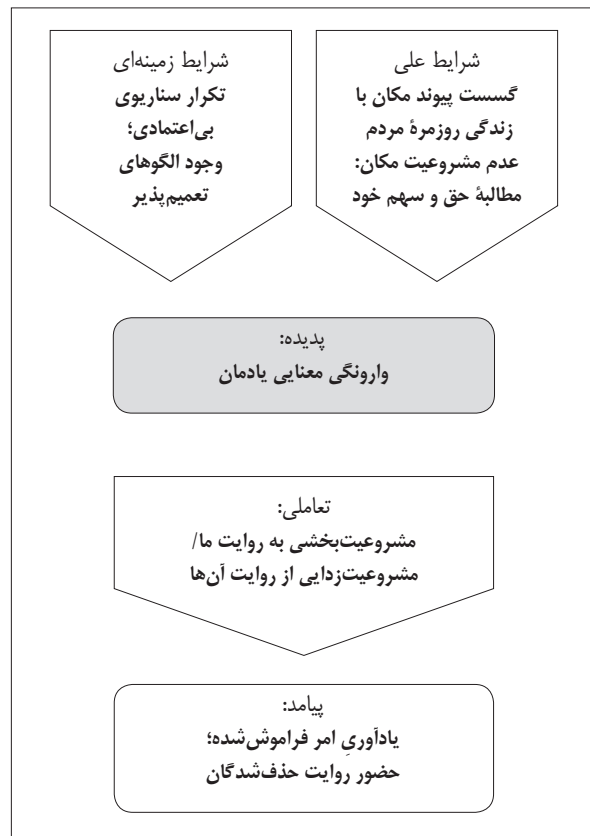
۳.۲. مقوله هسته‌ای: وارونگی معنایی یادمان

طی ساخت میدان امام علی^(ع) فضایی عمومی، به بهانه سامان‌دهی و احیای بافت تاریخی و به مثابه یادمانی برای یادآوری تاریخ جمعی مشخصی، جانشین سبزه‌میدان و بافت پیرامون آن شد. پنج خوشه‌مقوله به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌ها توصیفگر آن است که، در تجربه واقعی گروهی از مردم درگیر با مکان، این پروژه صرفاً حذف و جانشینی فیزیکی مکان‌ها در منظر تاریخی شهر نیست، بلکه شیوه بازسازی گذشته‌ای که بزرگ داشته شده

نوع مقوله	تناظر با مفاهیم نظری	خوشه - مقوله‌ها		مفاهیم
		مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	
شرایط علی	تعارض مکان خاطره و خاطره مکان	گسست پیوند مکان با زندگی روزمره مردم	توجیه‌پذیری؛ نقد ضرورت جانشینی مکان جدید در زندگی امروز مردم	عدم ضرورت مکان جدید/ ناکارآمدی طرح و سرگردانی و ناپیدایی در مکانی که قبلاً کارآمد بوده/ اشتباهات فنی واضح/ وجود راه حل‌های بهتر
			شکل‌گیری سه‌گانه ما/ مکان/ آن‌ها	ناتوانی فنی و اجرایی مدیریت شهری/ دست کم گرفتن اقدامات/ ناچیز دانستن اهمیت تغییرات/ بی‌منطق و بدون اصول بودن تصمیم‌ها و اقدامات
شرایط علی	ساخت و تحمیل فراروایت	عدم مشروعیت مکان: مطالبه حق و سهم خود	قهریت سازمان‌یافته	عربانی فرایند یک‌سویه/ قهر و زور/ نادیده گرفتن حق کسبه/ حبله و دروغ یا فریب/ ناراضی‌تی و زایل شدن حق کسبه، توصیفگر ماهیت قهری پروژه/ عدم شفافیت فرایند/ نیروهای پشت صحنه/ قانون در اختیار قدرت است
			حس بازنده بودن	شهرداری در نقش سرمایه‌گذار/ تصمیم‌گیری مدیریت شهری به نفع جیب خودشان/ نادیده گرفته شدن کسبه در سیستم سود و زیان مالی پروژه/ نفعی نبردن و در عین حال ضرر کردن به زبان بازار
شرایط زمینه‌ای	یادآوری/ فراموشی سازمان‌یافته	تکرار سناریوی بی‌اعتمادی؛ وجود الگوهای تعمیم‌پذیر	دوگانه رهاشدگی/ مداخله تام	بدبینی نسبت به نیت‌های مدیریت شهری/ مداخله به بهانه مردم و در جهت منافع مالی/ حضور و مداخله تام و منازعه‌جویانه مدیریت شهری، به جای اصلاح و حمایت و فعال کردن نیروهای موجود در مکان/ تعمیم ماهیت این فرایند به کل عملکرد سیستم مدیریت شهری
			تروما؛ سایه سنگین آسیب‌ها	رونق کسب‌وکار می‌توانست التیام‌بخش بازمانده‌ها باشد/ نگرانی بازماندگان برای آینده/ تمایل به ترک مکان/ نامعلومی آینده/ بلا تکلیفی/ ناامیدی از بهتر شدن اوضاع/ زندگی شخصی اولویت دارد به اهداف پروژه
تعاملی	بازتفسیر خاطره رسمی	مشروعیت‌بخشی به روایت ما/ مشروعیت‌زدایی از روایت آن‌ها	اعتباربخشی به گذشته اخیر/ اعتبارزدایی از امر جدید	مکان جدید فاقد هویت و ارزش جمعی/ مکانی که پیش از این کلتی قابل تشخیص بود/ معتبر شمردن آنچه قبلاً وجود داشته است/ حس فقدان و از دست دادن چیزی هویت‌مند و واجد خاطره جمعی/ امری آشنا که تبدیل به امر ناآشنا شده است/ تصویرسازی هدفمند و گزینشی از گذشته
			اصالت‌بخشی به گذشته اخیر/ اصالت‌زدایی از امر جدید	ناتوانی مکان جدید در خلق ارزشی جمعی/ تاریخ جمعی ساختگی/ بازسازی غیراصیل تاریخ/ به رسمیت شناختن تاریخ معاصر و گذشته تجربه‌شده مکان/ قیاس ناخودآگاه با میدان نقش جهان/ کپی‌برداری و تقلید/ مغلوب واضح
پیامدی	ضد-خاطره	یادآوری امر فراموش‌شده؛ حضور روایت حذف‌شدگان	تصاحب به مثابه خاطره جمعی	نقد اخلاقی سیستم، با زبان مشترک شرع/ استراتژی واجد اعتبار جمعی و شرعی برای اعتراض و مقاومت/ فساد و رانت‌خواری به بهانه پروژه/ تحلیل اخلاقی قدرت
			جمعی شدن زندگی شخصی آسیب‌دیدگان	داستان‌های شخصی افراد آسیب‌دیده تبدیل به داستان مکان می‌شود/ شکل گرفتن داستانی درباره کسانی که صدایشان نادیده گرفته شد/ حضور نمادین غایبان رانده‌شده از مکان، در زندگی روزمره مکان

۴. بررسی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با تأکید بر بُعد سیاسی مفهوم خاطره و یادآوری/ فراموشی، در راستای چرخشی انتقادی به سمت روایت گروه‌های نادیده گرفته‌شده در پروژه ساخت میدان یادمانی امام علی^(ع) اصفهان تعریف شد. بر مبنای مرور ادبیات موضوع، بُعد سیاسی رابطه میان بازنمایی خاطره و فضای عمومی (فضای عمومی یادمانی) در بستر روابط قدرت/ مقاومت قابل تحلیل و توصیف است؛ در چنین بستری فضای عمومی خود به مثابه موضوع مورد منازعه در سیاست‌بازی‌های خاطره نقش بازی می‌کند. ساخت یک فضای عمومی، تغییر نام، جابه‌جایی، و دیگر مداخلات در فضای عمومی با هدف بازنمایی خاطره‌ای جمعی



و اهداف نمادین آن از منظر زندگی روزمره امروز بازروایت و به چالش کشیده می‌شود (تعارض مکان خاطره و خاطره مکان). کسبه‌ای که هنوز در این مکان مستقر هستند، تنها درگیر سود و زیان یا مطالبه حل مشکلات نیستند، بلکه در واقع ماهیت چنین پروژه‌ای و روایتی که تحمیل شده است را به چالش می‌کشند و خرده‌روایت‌هایی می‌سازند که در تقابل با آن و ابزارهایی برای مقاومت در برابر این تحمیل هستند. در این تقابل، هدف نمادین پروژه، که احیای خاطره‌ای جمعی به واسطه یک یادمان است، در واقعیت وارونه شده است. مفهوم «وارونگی معنایی یادمان» توصیفگر این پدیده و مقوله هسته‌ای سناریوی نظری به‌دست‌آمده است. در این سناریو هر یک از پنج خوشه‌مقوله به‌دست‌آمده نیز نسبت به مقوله هسته‌ای جایگاهی می‌یابد (جدول ۱). «گسست پیوند مکان با زندگی روزمره مردم» و «عدم مشروعیت مکان» دو مقوله‌ای هستند که شرایط علی را در تجربه افراد توصیف می‌کنند. مکان جدید ضرورتی در نیازهای امروز کسبه نداشته و همچون چیزی تحمیل شده توسط «آن‌ها» (مدیریت شهری) خود به یک معضل تبدیل شده است. از سوی دیگر، نادیده گرفته شدن سهم و حق کسبه در فرایند قهری سازمان‌یافته و بازنده بودن آن‌ها در زبان بازار مشروعیت مکان را زیر سؤال برده است. تکرار سناریوی بی‌اعتمادی در تجربه افراد نیز معرف شرایطی زمینه‌ای است که شرایط علی را بازتولید می‌کند و به طور دائم افراد را در وضعیت تروما، عدم اختیار و ناتوان از پیش‌بینی قرار می‌دهد. در واکنش به چنین وضعیتی، ارزش‌گذاری هدفمند مکان جدید در مقایسه با مکان تخریب‌شده، تاکتیکی است که خرده‌روایت‌های محلی را نسبت به فراروایت تحمیل‌شده مشروعیت می‌بخشد. مفهوم «مشروعیت‌بخشی به روایت ما / مشروعیت‌زدایی از روایت آن‌ها» توصیفگر این فرایند به مثابه مقوله تعاملی سناریو است. و پیامد این فرایند شکل‌گیری «ضد خاطره» است؛ «یادآوری امر فراموش‌شده و حضور روایت حذف‌شدگان» (ت ۴).

84. Interactions
85. Consequences
86. Creswell, *ibid*, p. 67.

ت ۴. مدل پارادایمی یافته‌های پژوهش؛ طرح و پژوهش: نگارندگان.

امری سیاسی و گزینشی است. در این پژوهش تجربه شماری از کسبه قدیمی، که هنوز در محدوده مکان مورد مطالعه حضور دارند و در معرض تغییرات آن هستند، مطالعه شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، مفهوم «وارونگی معنایی یادمان»، به مثابه پدیده شکل گرفته، توصیفگر ماهیت تجربه مصاحبه‌شوندگان از ساخت مکان یادمانی جدید است. فرایند شکل‌گیری پدیده مزبور در قالب مدل پارادایمی به‌دست آمده (ت ۴) تبیین شده است. همچنین با بازگشت به مرور ادبیات این پژوهش، چنان‌که در «جدول ۱» نشان داده شده است، تناظری محتوایی میان خوشه‌مقوله‌های به‌دست‌آمده و مفاهیم نظری می‌توان یافت. مقوله‌های توصیفگر شرایط علی اشاره به تعارض میان «مکان خاطره»ی ساخته‌شده در یک سو، و زندگی روزمره گروه مورد مطالعه و تصاویری که پیش از این پروژه در تجربه ملموس و واقعی ایشان از مکان جریان داشته (خاطره مکان) در سوی دیگر است. آنچه، به مثابه شرایط زمینه‌ای، به وقوع چنین تعارضی دامن زده، سازوکار قهری و یک‌سویه‌ای است که در راستای ساخت و تحمیل فراروایت‌های رسمی، استراتژی «یادآوری/ فراموشی سازمان‌یافته» را به کار می‌گیرد و در سازوکاری از بالا، مکان‌ها، نام‌ها، و کاربران فضاها

را جانشین می‌کند. در تعامل با چنین وضعیتی، گروه مورد مطالعه به طور هدفمند و به مثابه تاکتیک‌های مقاومتی، به «بازتفسیر خاطره رسمی» می‌پردازد و نتیجه چنین فرایندی شکل‌گیری «ضد خاطره‌ای» است که، با تولید خرده‌روایت‌های محلی، ماهیت مکان یادمانی جدید را به چالش می‌کشد و تصویری متناقض با آن را بازتولید می‌کند.

در پژوهشی مشابه، پاکزاد و گلرخ تجربه ساکنان و کسبه خیابان ۱۷ شهرپور تهران را در تغییرات یک‌باره مکان مطالعه کردند.^{۸۷} خوشه‌مقوله‌های به‌دست‌آمده در پژوهش مزبور — اعتبار مکان، سرانجام مکان، برجسته‌سازی هدفمند، تعمیم حس مکان و حضور «آن‌ها» — از نظر محتوا شباهت زیادی به یافته‌های پژوهش حاضر دارند؛ به‌ویژه با مقایسه مقوله هسته‌ای به‌دست‌آمده در نمونه خیابان ۱۷ شهرپور — ابهام در همگانی بودن مکان — و مقوله هسته‌ای پژوهش حاضر — وارونگی معنایی یادمان — می‌توان گفت طی چنین مداخله‌های تام و یکباره‌ای که در تعبیر ادوارد سعید در پی ایجاد «جغرافیای تخیلی» و نادیده گرفتن واقعیت زندگی گروه‌های اجتماعی هستند، مکانی که شکل می‌گیرد، در تجربه محلی‌ها به نوعی قلب ماهیت می‌شود.

منابع و مأخذ

رویکرد توسعه پایدار»، در همایش ملی مهندسی عمران و توسعه پایدار، مقاله ESTAHBANCCE01_051 COI، ۱۳۸۹.

جعفری، حسین. «طرح احیای میدان امام علی^(ع)؛ عتیق؛ تجربه بازآفرینی مرکز تاریخی شهر اصفهان»، در ماهنامه دانش نما، ش ۲۴۸-۲۵۰ (فروردین - خرداد ۱۳۹۵)، ص ۱۱۹-۱۳۱.

زبردست، اسفندیار و سیدمحمد امامی. «بررسی و ارزیابی اصالت طرح‌های توسعه شهری در بافت‌های تاریخی؛ مطالعه موردی: طرح احیای میدان امام علی^(ع) اصفهان»، در شهر/یرانی/اسلامی، ش ۹ (پاییز ۱۳۹۱)، ص ۱۵-۲۴.

اسناد و مدارک سازمان نوسازی و بهسازی اصفهان.

افیونیان، الناز و محمود قلعه‌نویی و محمود محمدی. «نگاهی به فرایند ارزیابی اثرات اجتماعی در پروژه احیای میدان امام علی^(ع)»، در ماهنامه دانش نما، ش ۲۴۸-۲۵۰ (فروردین خرداد ۱۳۹۵)، ص ۱۰۲-۱۱۸.

پاکزاد، جهان‌شاه و شمین گلرخ. «فهم تجربه تغییر یک‌باره مکان؛ حس مکان ساکنان و کسبه خیابان پیاده‌راه‌شده ۱۷ شهرپور»، در صفحه، ش ۷۰ (پاییز ۱۳۹۴)، ص ۶۵-۸۰.

جعفری، فرشاد و علیرضا قاری قرآن. «احیاء میدان امام علی^(ع) اصفهان با

- Alderman, Derek H. "A Street Fit for a King: Naming Places and Commemoration in the American South", in *The Professional Geographer*, 52(4) (2000), pp. 672-684.
- _____. "New Memorial Landscapes in the American South", in *Professional Geographer*, 52(4) (2000), pp. 658-660.
- Ashworth, G.J. "From History to Heritage—From Heritage to Identity: In Search of Concepts and Models", in G.J. Ashworth & P.J. Larkham (eds), *Building a New Heritage: Tourism, Culture and Identity in the New Europe*, London, UK: Routledge, 1994, pp. 13-29.
- Assman, Jan & John Czaplicka. "Collective Memory and Cultural Identity", in *New German Critique*, 65 (1995), pp. 125-133.
- Assmann, Jan. "Ancient Egyptian Antijudaism: A Case of Distorted Memory", in DL Schacter, & J.T Coyle & G.D Fischbach & M.M Mesalum & L.E Sullivan (eds), *Memory Distortion: How Minds, Brains and Societies Reconstruct the Past*, Cambridge: Harvard University Press, 1995, pp 365-376.
- Awad, Sarah H. "Documenting a Contested Memory: Symbols in the Changing City Space of Cairo", in *Culture & Psychology*, 23(2) (2017), pp. 234-254.
- Benton-Short, Lisa. "POLITICS, PUBLIC SPACE, AND MEMORIALS: THE BRAWL ON THE MALL", in *Urban Geography*, 27(4) (2006), pp. 297-329.
- Buffington, Melanie L. & Erin Waldner. "Human Rights, Collective Memory, and Counter Memory: Unpacking the Meaning of Monument Avenue in Richmond, Virginia", in *Journal of Cultural Research in Art Education*, 29 (2011), pp. 92-108.
- Creswell, John W. *Qualitative Inquiry and Research Design*, SAGE Publications, Inc., 2012.
- De Certeau, Michel. *The Practice of Everyday Life*, Berkeley, CA: University of California Press, 1984.
- Dovey, Kim. "Memory, Democracy and Urban Space: Bangkok's `Path to Democracy", in *Journal of Urban Design*, 6(3) (2001), pp. 265-282
- Dwyer, Owen J. & Derek H. Alderman. "Memorial Landscapes: Analytic Questions and Metaphors", in *GeoJournal*, 73 (2008), pp. 165-178.
- Dwyer, Owen J. "Symbolic Accretion and Commemoration", in *Social & Cultural Geography*, 5(3) (2004), pp. 419-435.
- _____. "Location, Politics, and the Production of Civil Rights Memorial Landscapes", in *Urban Geography*, 23 (2002), pp. 31-56.
- Fenster, Tovi. "Belonging, Memory and the Politics of Planning", in *Social & Cultural Geography*, 5(3) (2006), pp. 403-417.
- Foot, K. *Shadowed Ground: America's Landscapes of Violence and Tragedy*, Austin: University of Texas Press, 1997.
- Foucault, Michel. *Language, Counter-memory; Practice: Selected Essays and Interviews*, Ithaca, NY: Cornell University Press, 1977.
- _____. *Society Must Be Defended: LECTURES AT THE COLLEGE DEFRANCE, 1975-76*, translated by David Macey, New York: Picador, 2003.
- Giroux, H.A. *Pedagogy and the Politics of Hope: Theory-culture and Schooling: A Critical Reader*, Oxford, England: Westview Press, 1977.
- Halbwachs, Maurice. *Les Cadres Sociaux de la Mémoire*, Paris: Albin Michel, [1925] 1994.
- _____. *On Collective Memory*, translated by Lewis A. Coser, University of Chicago Press, 1992 [1951].
- Hayden, D. *The Power of Place: Urban Landscapes as Public History*, Cambridge: MIT Press, 1997.
- Hoelscher, Steven & Derek H. Alderman. "Memory and Place: Geographies of a Critical Relationship", in *Social & Cultural Geography*, 5(3) (2004), pp. 347-355.
- Hoelscher, Steven. "Angels of Memory: Photography and Haunting in Guatemala City", in *GeoJournal*, 73 (2008), pp. 195-217.
- Huysen, A. *Present Pasts: Urban Palimpsests and the Politics of Memory*, Stanford: Stanford University Press, 2003.
- Jacobs, A.J. "Symbolic Urban Spaces and the Political Economy of Local Collective Memory: a Comparison of Hiroshima and Nagoya, Japan", in *Journal of Political and Military Sociology* 31(2) (2003), pp. 253-278.
- Jelin, E. *State Repression and the Labors of Memory*, Minneapolis: University of Minnesota Press, 2003.
- Kenny, Michael G. "A Place for Memory: The Interface between Individual and Collective History", in *Comparative*

- Studies in Society and History*, 41(3) (1999), pp. 420-437
- Legg, Stephen. "Sites of Counter-memory: the Refusal to Forget and the Nationalist Struggle in Colonial Delhi", in *Historical Geography*, 33 (2005), pp. 180-201
- Maoz, I.M. & B.M. Powell. "Revisiting Barriers to Conflict Resolution: Perspectives in Power, Relationships and Application to Practice", in *Dynamics of Asymmetric Conflict: Pathways towards Terrorism and Genocide*, 7(2) (2014), pp. 115-119.
- Mazur, L. "The Social Psychology of Intractable Conflicts", in *Culture & Psychology*, 20(2) (2014), pp. 276-281.
- Medina, José. "Toward a Foucaultian Epistemology of Resistance: Counter-memory, Epistemic Friction, and Guerrilla Pluralism", in *Foucault Studies*, 12 (2011), pp. 9-35.
- Mitchell, K. "Monuments, Memorials, and the Politics of Memory", in *Urban Geography*, 24 (2003), pp. 442-459.
- Nicholson, Cathy. "The Role of Collective Memory in Protracted Conflict", in *Culture & Psychology*, 23(2) (2017), pp. 217-233.
- Nora, Pierre (ed.). *Les lieux de Mémoire*, Paris: translated by Gallimard [Realms of memory. New York: Columbia University Press, 1984-1992.
- _____. "Between Memory and History: *Les Lieux de Mémoire*", translated by Marc Roudebush, in *Representations*, 26 (Special Issue: Memory and Counter-Memory) (1989), pp. 7-24.
- Rodrigo, Russell. "Making Public Pasts: Cultural Dialogue and Negotiation in Public Space", in *LANDSCAPE REVIEW*, 15(2) (2015), pp. 32-42.
- Rossi, Aldo. *The Architecture of City*, translated by Diane Ghirardo & Joan Ockman, 3rd. edition, The MIT Press, 1986 [1960].
- Said, Edward W. "Invention, Memory, and Place", in *Critical Inquiry*, 26(2) (2000), pp. 175-192
- _____. *Orientalism*, London: Penguin, 1995 [1978].
- Schein, Richard H. "The Place of Landscape: A Conceptual Framework for Interpreting an American Scene", in *Annals of the Association of American Geographers*, 87(4) (1997), pp. 660-680.
- Shin, H. "Re-making a Place-of-memory: The Competition between Representativeness and Place-making Knowledge in Gwangju, South Korea", in *Urban Studies*, 53(16) (2016), pp. 366-3583.
- Stanley, T.J. "Creating the 'space' for Civic Dialogue", in *Phi Delta Kappan*, 85(1) (2003), p. 38.
- Stevens, Quentin & Shanti Sumartojo. "56 after '89: Re-commemorating Hungarian History after the Fall of Communism", in *Proceedings of the Society of Architectural Historians, Australia and New Zealand*, 31 (2014), pp. 355-371.
- Stevens, Quentin. "The Future is Open to the Past; Public Memorials in Evolving Urban Landscapes", in *Proceedings of the Society of Architectural Historians, Australia and New Zealand 30, Open*, edited by Alexandra Brown and Andrew Leach (Gold Coast, Qld: SAHANZ, 2013), Vol. 1 (2013), pp. 97-110.
- Strauss, Anselm & Juliet Corbin, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory, Procedures, and Techniques*, SAGE Publications, Inc., 1990.
- Sumartojo, Shanti. "National Identity and Commemorative Space: Connections to the Nation through Time and Site", in *LANDSCAPE REVIEW*, 15(2) (2015), pp. 7-18.
- Till, K. *The New Berlin: Memory, Politics, Place*, Minneapolis: University of Minnesota Press, 2005.
- Truc, Jérôme. "Memory of Places and Places of Memory: for a Halbwachsian Socio-ethnography of Collective Memory", in *International Social Science Journal*, 62(203-204) (2011), pp. 147-159.
- Yea, Sallie. "Rewriting Rebellion and Mapping Memory in South Korea: The (Re)presentation of the 1980 Kwangju Uprising through Mangwol-dong Cemetery", in *Urban Studies*, 39(9) (2002), pp. 1551-1572
- Wachtel, Nathan. "Memory and History: Introduction", in *History and Anthropology*, 12 (1986), pp. 207-224.
- Young, James E. "Memory and Counter-memory", in *Harvard Design Magazine*, 9 (1999), pp. 1-10.
- _____. "The Counter-Monument: Memory against Itself in Germany Today", in *Critical Inquiry*, 18(2) (1992), pp. 267-296.
- _____. *The Texture of Memory: Holocaust Memorials and Meaning*, New Haven, CT: Yale University Press, 1993.
- Zittoun, T. "Memorials and Semiotic Dynamics", in *Culture & Psychology*, 10(4) (2004), pp. 477-495.